

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره نهم ، شماره سی و دوم ، تابستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۰۱

تاریخ بازنگری نهایی مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۱۳

صفحات: ۵۱ - ۳۱

در آمدی بر جایگاه پلیس پیرامون مقوله امنیت، ذیل حقوق شهروندی

رسول سرمست بناب^{*۱}

چکیده

امروزه پلیس به طور رسمی نیروی اصلی مسئول حفظ امنیت داخلی در جامعه است. در واقع پلیس سازمانی دولتی است که به نیابت از دولت و بر طبق قانون و در حدود وظایف و اختیارات محوله قانونی مسئول برقراری نظم و امنیت و اعمال و اجرای قانون به ویژه حقوق کیفری می‌باشد. امنیت نیز از جمله حقوق طبیعی و مقدم انسان و اساس برخورداری از دیگر حقوق و آزادی‌های اساسی انسان است. مفهوم امنیت به عنوان شرط بنیادین حیات انسانی در همه جای دنیا و اکثر اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی کشورها قابل درک بوده و همواره مورد تأکید قرار گرفته است و تأثیرات اساسی در زندگی بشر دارد. از طرفی همواره اشخاصی در همه جوامع وجود دارند که با رفتارهای نامعقول و ناهنجار خود سعی در برهم زدن نظم و امنیت عمومی جامعه دارند. از این رو پلیس ضمن دانستن اصولی وظایف و اهداف نیروهای پلیس برای برقراری و حفظ نظم و امنیت دارای اختیارات ویژه ای مانند اجازه استفاده از سلاح گرم تحت شرایط قانونی، استفاده از شکنجه، اجازه سلب آزادی و... است. بنابراین پلیس باید حدود و اختیارات خود را در استفاده از این ابزارهای قانونی در حفظ نظم بدانند، زیرا ممکن است پلیس در راستای برقراری نظم و امنیت که هدف و مأموریت ذاتی اوست، باعث تعرض به حقوق سایر شهروندان و ایجاد اختلال در نظم جامعه شود. در نتیجه اعطای چنین اختیاراتی به سازمان‌های پلیس باید در پرتو قوانین محدود و صریحی باشد که بقای نظم و امنیت جامعه را تضمین نماید.

واژگان کلیدی: پلیس، امنیت، حقوق شهروندی.

مقدمه

پلیس

یکی از مهمترین وظایف مسئولیت نهادهای حکومتی و اجرایی هر کشور، برقراری نظم و تأمین امنیت آن کشور است. یکی از نهادهای شاخص در این زمینه، نهاد انتظامی به شمار می رود که در سراسر جهان با عنوان (پلیس) خوانده می شود. پلیس یا پولیس در لغت کسی است که مأمور اجرای قانون است. به عبارتی دیگر پلیس یعنی شهربانی، نظمیه، پاسبان، محتسب و اداره پلیس یعنی سرکلانتری و اداره پلیس مخفی به معنای اداره آگاهی و ماموران آن را کارآگاه می گویند (معین، ۱۳۹۲: ۲۵۹). از نظر لغوی کلمه پلیس فرانسوی و از ریشه یونانی Politera به معنای (سازمان سیاسی)، از کلمه Policia به معنای هنر حکومت کردن و نیز از کلمه Police به معنای شهر و جامعه گرفته شده است (Etymology Dictionary, 2018).

واژه پلیس در افکار عمومی همواره به عنوان ضابط قضایی نقش بسته و با مأموریت کشف جرم همراه بوده و تاکنون پلیس تنها به عنوان ابزار سیاست‌های کیفری-واکنشی-مورد استفاده قرار گرفته است. به بیان دیگر نقش پلیس به طور سنتی فقط در چارچوب نظام کیفری تعریف می‌شود. این در حالی است که اصولاً پیدایش نهاد پلیس در جوامع انسانی تنها جهت کشف و سرکوبی جرایم نبوده است، بلکه مأموریت نخستین پلیس همانا حفظ نظم و انضباط در سطح جوامع بوده که به تدریج و در گذار زمان این نقش اولیه به دست فراموشی سپرده شده و به نقش‌های کیفری و سرکوبگرانه پلیس بیشتر توجه شده است. به طور خلاصه بهترین و جامعترین تعریف در ارتباط با پلیس می توان گفت که سازمان پلیس یک سازمان دولتی است که وظیفه اش برقراری و حفظ امنیت عمومی، اجرای مقررات و نظارت اجتماعی، پیشگیری از وقوع جرایم، کشف و تعقیب جرم، مبارزه با بزه کار و حمایت از بزه دیده می باشد (مرگان و نیوبرن، تابستان ۱۳۸۰: ۱۸۷ - ۱۸۱).

تأمین بخشی از وظایف ایجابی دولت در تأمین امنیت است که توسط نیروی انتظامی به‌عنوان نماینده قانونی دولت در قالب وظایف و مأموریت‌ها صورت می‌پذیرد تا موجب مصونیت (فقدان جرم و جنایت) و آسودگی خاطر (احساس امنیت) اعضای جامعه در فعالیتهای روزمره اجتماعی، محل‌های کسب و کار و تردد، زندگی خصوصی، تعاملات اجتماعی، حفظ ارزش‌های دینی و ملی، تأمین بخشی از رفاه و آسایش و در نهایت ارتقای منزلت اجتماعی آنان در شبکه تعاملات اجتماعی گردد

حقوق شهروندی

حقوق شهروندی آن دسته از امتیازات و قواعد عام اجتماعی است که در چارچوب قانون اساسی به شهروندان داده می شود و انتفاع از آن نیز به میزانی است که تعرضی به حقوق سایر شهروندان و نظم عمومی نداشته باشد. به عنوان مثال حق آزادی و رفاه شهروندان تا حدی است که باعث تعدی به نظم عمومی و حقوق شهروندی نباشد. مفهوم شهروندی به عنوان منزلتی اجتماعی در نگرش به جامعه مدنی (معمول یا مدرن) تلقی می شود که به موجب آن شرایط برخورداری فرد را از حقوق و قدرت فراهم می کند که این حقوق عبارتند از:

حقوق مدنی، شامل آزادی بیان و برابری در مقابل قانون.

حقوق سیاسی، شامل حق رأی دادن و ایجاد تشکل سیاسی و صنفی

حقوق اقتصادی، در برگیرنده رفاه اقتصادی (به وسیله تولید، بازرگانی، کشاورزی و مصرف) و تأمین اجتماعی است (پژوهنده، ۱۳۷۶: ۱۷۲).

کارکرد مفهوم حقوق بشری، همانا بسط و گسترش قواعد و مقرراتی است که کلیه فعالیت ها، کنش ها، تمایلات و نیازهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی افراد را سازماندهی می کند و مانع از اعمال ستم و اجحاف به شهروندان می گردد. بنابراین حقوق شهروندی به مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی شهروندان اطلاق می شود که امکان تملک دارایی‌ها، التزام به قراردادها، آزادی‌های حزبی، آزادی فکر و اندیشه، فعالیت‌های اقتصادی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، بهره‌مندی از حداقل استاندارد رفاهی و اقتصادی، تأمین اجتماعی و حق حیات طبیعی و اجتماعی را فراهم می‌سازد (موسوی، ۱۳۸۲: ۹۳)..

امنیت

حق آزادی و امنیت، یکی از مهمترین مصادیق حقوق بشری است که در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۹۴۸، ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ و ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰ مورد تأکید قرار گرفته است. حق آزادی و امنیت شخصی بدین معناست که هر فردی در پناه قانون و موازین حقوق بشری حق دارد تا از آزادی و امنیت بهره‌مند گردد. در این چارچوب هر گونه تهدید خودسرانه آزادی و امنیت شخصی ممنوع بوده و سلب آزادی نیز امری استثنایی است که تنها به وسیله مرجع صالح قضایی و مستند به آیین دادرسی و یا رعایت موازینی که از احترام به فرض برائت و اصل آزاد بودن افراد ناشی می‌شود، امکان‌پذیر می‌گردد (آشوری و بهمنی، پاییز ۱۳۸۷: ۲).

امنیت در لغت حالت فراغت از هر گونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین‌المللی به کار برده می‌شود (آشوری، ۱۳۶۶: ۳۸).

امنیت در اسلام نیز به عنوان یک ارزش شناخته می‌شود. امنیت نخستین و مهم ترین شرط یک زندگی سالم اجتماعی است. به همین جهت ذو القرنین برای فراهم کردن آن نسبت به قومی که مورد تهدید قرار گرفته بودند پرزحمت‌ترین کارها را بر عهده گرفتن و برای جلوگیری از مفسدان از نیرومندترین سدها استفاده کرد. سدی که در تاریخ ضرب المثل شده و سمبل استحکام و دوام و بقاء است... اصولاً تا جلو مفسدان رابا قاطعیت و به وسیله نیرومندترین سدها نگیرند جامعه روی سعادت نخواهد دید و به همین جهت حضرت ابراهیم (علیه السلام) هنگام بنای کعبه نخستین چیزی را که از خدا برای آن سرزمین تقاضا کرد نعمت امنیت بود، به طوری که در سوره ابراهیم، آیه ۳۵ آمده: پروردگارا این شهر را ایمن گردان (احمدی، بی تا).

امنیت از جمله حقوق طبیعی و مقدم انسان و اساس برخورداری از دیگر حقوق و آزادی‌های اساسی انسان است، مفهوم امنیت به عنوان شرط بنیادین حیات انسانی در همه‌جای دنیا و اکثر اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی کشورها قابل درک بوده و همواره مورد تأکید قرار گرفته است، و تأثیرات اساسی در زندگی بشر دارد. امنیت عبارت است از اطمینان خاطری که براساس آن افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند، نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند. «امنیت» پیش از آن‌که مقوله‌ای قابل تعریف باشد، پدیده‌ای ادراکی و احساسی است (بوزان، ۱۳۸۶: ۲۵).

احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان یا عدم وجود جرم در آن جامعه برمی‌گردد و هرچه میزان فراوانی جرم بالاتر باشد احساس امنیت پایین‌تر است. ولی این احساس ناامنی صرفاً منبعث از عدم وجود امنیت در یک جامعه نخواهد بود. در واقع ممکن است در یک جامعه امنیت وجود داشته باشد لیکن شهروندان در آن احساس امنیت نداشته باشند و بالعکس (کلاهیچیان، ۱۳۸۴، ص ۹۳).

اصولاً در خصوص امنیت و احساس امنیت در جامعه ممکن است یکی از حالات زیر وجود داشته باشد:

امنیت وجود دارد، احساس امنیت نیز وجود دارد.

امنیت وجود ندارد، احساس امنیت نیز وجود نخواهد داشت.

امنیت از نظر پلیس و معیارها و شاخص‌های آن وجود دارد اما مردم احساس امنیت نمی‌کنند.

امنیت با شاخص‌های پلیس وجود ندارد اما احساس امنیت در مردم دارد (کلالی و تاجران، زمستان ۱۳۸۸: ۵۶۵).

منابع تأمین‌کننده احساس امنیت برای آحاد و گروه‌های مختلف جامعه نیز از همدیگر متفاوت است و آن منابع در سه سطح کلان، میانی و فردی اثرگذار می‌باشند. در سطح کلان، ساختار کلی جامعه و ایمن بودن آن از جنگ، قحطی، خشکسالی، زلزله، سیل و... در سطح فردی نیز روابط بین افراد در حوزه کار، تحصیل، اقوام و خویشاوندان، همسایگان، همکاران و نیز تجربه‌های غیر مستقیم و مستقیم روزانه افراد، در سطح میانی از عوامل سازنده احساس امنیت در جامع شامل: روابط میان نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه، چالش بین گروه‌ها و جناح‌های مختلف سیاسی، کارکرد نیروهای انتظامی، ارتش، قوه قضاییه، نظام پولی، نظام‌مندی شغلی، تعاملات جناح‌های سیاسی، بهره‌وری اقتصادی و غیره می‌باشد. بنابراین نیروی انتظامی با توجه به نقش‌ها، وظایف و به طور کلی عملکردی که در سطح میانی ساختار کلی جامعه دارد، بر احساس امنیت شهروندان جامعه اثرگذار است. بر وجود سه دوره مشخص تاریخی عملکرد پلیس در تأمین امنیت تأکید دارند و معتقدند که در جریان شکل‌گیری نیروهای پلیس در جوامع مختلف سه تغییر عمده در عملکرد آنان روی داده است و این تغییر الگوها را به عنوان دوره‌های خاص عملکرد پلیسی توصیف می‌کنند. در این سه دوره، پارادیم یا الگوی خاصی حاکم بوده است که عبارتند از: ۱- دوره سیاسی؛ ۲- دوره اصلاحات؛ ۳- دوره جامعه‌گرا (هس و میلر، ۱۳۸۲: ۳۳) که زیر اشاره ای کوتاه به هر کدام می‌شود.

۱) دوره سیاسی: دوره سیاسی تا ربع اول قرن بیستم ادامه یافت و زمانی بود که ادارات پلیس در حال شکل‌گیری بودند. در این دوره، پلیس پیوند نزدیکی با سیاست داشت. افسران پلیس معمولاً در جامعه زندگی می‌کردند و عضو گروه اکثریت بودند. چون گشت پیاده معمول‌ترین راهبرد مورد استفاده بود، افسران رابطه نزدیکی با مردم پیدا می‌کردند. در این دوره انتصاب رؤسای پلیس با انگیزه‌های سیاسی و به منظور حفظ منصوب کنندگان در جایگاههای قدرت صورت می‌گرفت. پارادایم حاکم بر دوره سیاسی، اقتدارگرایی بود. پلیس در این دوره قوه سرکوبگر و قوه قاهره‌ای است که صرفاً عامل حفظ و حافظ منافع طبقه مسلط می‌باشد. گفتنی است که این دوره پلیسی، دوره اقتدارگرایی و توانمندی پلیس در عرصه امنیت جوامع بوده است (هس و میلر، ۱۳۸۲: ۳۳).

۲) دوره اصلاحات: از ولمر و ویلسون به عنوان سردمداران حرکت اصلاحی و خواستار تغییر جدی در شیوه سازماندهی و کارکرد ادارات پلیس یاد می‌کنند. از این دوره تحت عنوان دوره پیشرو نام می‌برند. در دوره اصلاحات رابطه پلیس با جامعه مخدم خویش از لحاظ حرفه‌ای دور بود و سازمان پلیس به یک سازمان تخصصی تبدیل شد که هدف اصلی و اساسی آن مبارزه با جرم و تبهکاران بود و به شیوه‌های پلیسی به تعقیب و سرکوب بزهکاران و کسانی می‌پرداخت که امنیت عمومی را به خطر می‌انداختند. پارادایم حاکم بر دوره اصلاحات، حرفه‌ای بودن پلیس است و لذا عده‌ای این دوره را دوره پلیس حرفه‌ای نام نهاده‌اند. ویژگی این دوره این است که پلیس به کنترل جرائم می‌پردازد (هس و میلر، ۱۳۸۲: ۳۶ - ۳۴). لذا عملکرد پلیس در این دوره، مبارزان حرفه‌ای با جرم و جنایت تلقی شدند. پلیس در این دوره از نظر تخصصی به یک سازمان حرفه‌ای تبدیل شده که راه‌اندازی گشت‌های اتومبیل پلیس و پاسخ سریع به درخواست کمک مردم از شاخصه‌های این عصر محسوب می‌شود. در دوره اصلاحات، عصر پلیس حرفه‌ای یا رفتار حرفه‌ای پلیس از سال ۱۹۳۰ تا سال ۱۹۸۰ ادامه دارد. بنابراین عملکرد پلیس در دوره اصلاحات را می‌توان دوره رفتار حرفه‌ای پلیس نامید.

۳) عصر مشارکت پلیس با جامعه (جامعه‌گرایی): در دهه ۱۹۸۰ بسیاری از ادارات پلیس شروع به تجربه کردن افزایش مشارکت جامعه در مبارزه با جرم و جنایت کردند. مجریان قانون به تدریج نسبت به خواست مردم برای انجام نوع دیگری از کار پلیس پاسخ دادند. امروزه میزان تعامل پلیس، شهروندان و حل مساله به حد قابل ملاحظه‌ای رسیده است. عصر مشارکت را با نام‌های متعددی نامیده‌اند. کار پلیس با مشارکت جامعه، کار پلیس جامعه‌گرا، پلیس در محلات و... در حال حاضر رایج‌ترین اصطلاح در این دوره کار پلیس با مشارکت جامعه است.

پارادایم دوره سوم که با مفهوم مدرن امنیت سازگار می‌باشد جامعه محوری است. فصل منطقی جامعه محوری اعتماد متقابل پلیس و مردم و مشارکت توأم با همدلی و رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است. در دیدگاه جامع محوری، امنیت امری جدا از سایر امور و عوامل اجتماعی نیست بلکه در گرو سازگاری با فعالیت‌های نهادهای اجتماعی از جمله خانواده است که در این صورت این مفهوم با فضایل اخلاقی و سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت فعال مردمی همراه خواهد بود (کریمی، تابستان ۱۳۸۹: ۱۶).

هدف پلیس در این دوره بالا بردن آرامش و رضایت شهروندان است و امنیت را با مشارکت نهادهای اجتماعی از جمله خانواده تامین می‌کند و مفهوم آن این نیست که پلیس با جرم مبارزه نکند، بلکه در این پارادایم برخورد

شدیدتر نیز صورت می‌گیرد ولی در بستری که با حمایت و مشارکت مردمی است. پلیس بخشی از جامعه است و نه جدای از آن و به گفته رابرت پیل «پلیس‌ها مردمند و مردم پلیس هستند»؛ ماموران پلیس حقوق‌بگیرانی هستند که تمام توجه خود را صرف خدمت به شهروندان می‌کنند (هس و میلر، ۱۳۸۲: ۴۷ - ۴۳). بنابراین دوره سوم عملکرد پلیس را باید در حوزه فعالیت‌های اجتماعی پلیس جستجو نمود.

می‌توان گفت از شاخص‌های مهم در مقوله سوم عبارتند از:

الف. اطمینان بخشیدن به مردم؛

ب. احترام به مال و آبروی مردم و حفاظت از آن؛

ج. حفظ حریم مردم و مبارزه با مظاهر فساد؛

د. تعامل با سایر قوای مسلح برای ایجاد امنیت؛

ه. همگامی با مردم در ایجاد نظم و امنیت (کریمایی، تابستان ۱۳۸۹: ۱۶).

بنابراین پلیس در طول تاریخ برای تأمین امنیت و احساس امنیت در میان جامعه، از سه شیوه بهره‌گیری نموده که متناسب با شرایط اجتماعی، اثرات متفاوتی از خود بر جای می‌گذارد:

۱- توانمندی پلیس،

۲- رفتار حرفه‌ای پلیس،

۳- فعالیت‌های اجتماعی پلیس.

لذا ممکن است برای تأمین امنیت در جامعه، اقتدارگرایی پلیس حاکم باشد و در جامعه پیشرفته رفتار حرفه‌ای پلیس و در جامعه مترقی‌تر، فعالیت‌های اجتماعی پلیس نسبت به رفتارهای دیگر، در تعامل با مردم و شهروندان برجسته شده باشد.

حقوق شهروندی و وظایف پلیس

پلیس به صورت انحصاری از حق استفاده از زور در جامعه برخوردار است. وظایفی که در حوزه مبارزه با جرم بر عهده پلیس گذاشته شده است، عبارت است از: پیشگیری از وقوع جرم، دستگیری بزهکاری و حفظ نظم (حسامی، ۱۳۸۴، ۲۵۵). ماده ۳ قانون نیروی انتظامی (مصوب ۱۳۷۰) هدف از تشکیل این نیرو را استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و... دانسته است و همچنین در بندهای (د) و (ح) ماده ۸ این قانون، «پیشگیری از وقوع جرم» و «دستگیری متهمان و مجرمان و جلوگیری از فرار و اختفای آنها» از دیگر وظایف نیروی انتظامی عنوان شده است.

پلیس به عنوان ضابط عام دادگستری به منظور برقرار امنیت و برخورد با اخلال‌گران نظم و امنیت در جامعه نیازمند اختیارات خاصی است که گاهی همین اختیارات در برقراری نظم و امنیت به نقض حقوق شهروندی منجر می‌شود، لذا لازم است که پلیس ضمن آشنایی با حقوق شهروندی در مأموریت‌های محوله در رعایت آن اهتمام

لازم را داشته باشد. عدم آشنایی پلیس با حقوق شهروندی و تضییع این حقوق در حین فرایند رسیدگی به جرم می توان از یکسو موجبات بدبینی شهروندان به پلیس و بی اعتمادی به آن را فراهم آورد و از سوی دیگر ناآگاهی پلیس از هرآنچه افراد را از حقوق شان محروم می سازد با توسعه عدالت در جامعه در تناقض قرار دارد.

مقررات قانون آئین دادرسی کیفری، از جمله مقرراتی است که بیشترین تماس را با حقوق و آزادی‌های شهروندان دارد و آن گونه که گفته شده، عدالت و امنیت قضایی در هر جامعه‌ای در گرو آئین دادرسی آن جامعه است. در واقع آئین دادرسی کیفری محل تلاقی حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان و منافع جامعه و حکومت است و به همین دلیل، بیشترین موارد نقض حقوق و آزادی‌های شهروندان، از رهگذر تخطی از همین قواعد و مقررات دادرسی کیفری است که رخ می‌دهد.

ویژگی های پلیس در تأمین امنیت حقوق شهروندی از منظر سند چشم انداز بیست ساله

در سند بخشی چشم انداز ۱۴۰۴ ناجا، برگرفته از سند چشم انداز ۱۴۰۴، پلیس باید دارای چهار رکن اساسی باشد و هر رکن نیز ویژگی های خاص خود را داشته باشد که با دارا بودن این ویژگی ها، قادر خواهد بود، حقوق شهروندی را متناسب با ویژگی های جامعه ی ایرانی در سند چشم انداز تأمین نماید. ارکان و ویژگی های مورد نظر پلیس به شرح زیر می باشد:

۱- ویژگی های نیروی انسانی: نیروی انسانی مورد نیاز ناجا در جامعه ۱۹۰۶، باید دارای این ویژگی ها باشد: صالح و امین، ایثارگر، فداکار، شجاع، مردم دار، خلاق، دارای انگیزه ی الهی، مسئولیت پذیر، کارآمد و توانمند، برخوردار از منزلت اجتماعی، سخت کوش و برخوردار از وضعیت رفاهی و معیشتی مناسب.

۲- ویژگی های سازمان و تشکیلات: یکپارچه و فراگیر، منسجم و هماهنگ، منعطف و نوآور، پویا و کارآمد، پاسخ گو به مردم و حاکمیت، مظهر اقتدار عزت و رحمت، تأمین کننده امنیت اسلامی، بهره مند از دانش و فناوری، توانا در تولید علوم پلیسی، برخوردار از سامانه های جامع امنیتی و انتظامی، برخوردار از سرعت، دقت و صحت عمل.

۳- ویژگی های کارکردی: امین، مورد اعتماد مردم، جلب رضایت مندی مردم، نماد اقتدار نظام، تأمین کننده امنیت اجتماعی، حافظ سرمایه های اجتماعی، فراهم کننده بسترهای رشد .. فضایل و طرد ردایل در جامعه، توانا در بهره گیری از توان بسیج مردمی، تأمین کننده امنیت با مشارکت مردم.

۴- ویژگی های تعاملی: پلیس باید توانایی این را داشته باشد تا با نهادها، سازمان ها و بخش خصوصی در تأمین امنیت اجتماعی تعامل داخلی داشته باشد و همچنین از سویی دیگر با پلیس کشورهای دنیا به ویژه پلیس کشورهای اسلامی تعامل داشته باشد (کریمایی و دیگران، تابستان ۱۳۸۹: ۲۱ - ۲۰).

وظایف قانونی پلیس در امنیت حقوق شهروندی

در تاریخ، هیچ جامعه ای را سراغ نداریم که فارغ از دغدغه های امنیتی روزگار را سپری کرده باشد. در جوامع سازمان یافته، وجود نظم و امنیت حقوق شهروندان، اساسی ترین عامل توسعه و رشد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی به شمار می رود. توسعه در هر کشور مبتنی بر وجود امنیت شهروندان است و وجود امنیت اجتماعی نیز به وجود امنیت در ابعاد دیگر وابسته است که اساس آن، امنیت حقوق فردی و اجتماعی است. امنیت و نظم، لازم و ملزوم یکدیگرند، به طوری که جامعه بدون نظم اجتماعی فاقد امنیت خواهد بود و نبود امنیت نیز حاکی از نبود نظام اجتماعی مقتدر است بدین گونه است که احساس امنیت به تدریج از میان یک ملت رخت بر می بندد.

نقش نیروهای پلیس در تأمین امنیت و برقراری احساس امنیت در میان شهروندان، بسیار مهم و انکارناپذیر است. محافظت از اجتماع، کمک به مردم و ایجاد اطمینان قلبی در آنان و نیز اقدامات پیشگیرانه از وقوع جرم و از همه مهمتر اجرای درست قانون، از وظایف عمومی نیروی انتظامی است. پیشگیری انتظامی بر پایه اقدامات پلیسی در جهت حمایت از شهروندان آسیب پذیر، افزایش آگاهی های عمومی، نظارت بر اماکن عمومی و افزایش هزینه های ارتکاب جرم مبتنی است. در هر صورت مردم، بزرگترین سرمایه پلیس محسوب می شوند و همه باید در رفتار با مردم به اصول حقوق شهروندی احترام بگذارند. امنیت افراد انسانی و احترام به حقوق شهروندی در جلوه های مختلف مادی و معنوی قابل تصور است و دارای شاخص های مختلف است که در ذیل به آن خواهیم پرداخت:

امنیت جان

بدیهی ترین و ذاتی ترین حق انسان، زنده ماندن است و هیچ قدرتی یا حکومتی نمی تواند این حق را از فرد سلب کند، یا آسیبی به جسم و روح او وارد کند. از دیدگاه قرآن جان انسان ها محترم است^۲ (انعام، سوره ۶: آیه ۱۵۱) و کشتن کسانی که قتل و فساد مرتکب نشده اند همانند کشتن همه انسانهاست.^۳ از این رو حیات جامعه را در قصاص قرار داده و احکام این عامل تربیتی را که در مقابله با ناامنی مؤثر است بیان می کند (مائده، سوره ۵: آیه ۳۲ و ۳۸).

این حق در اسناد مختلف حقوق بشری نیز مورد تأکید قرار گرفته. به طور مثال، بخش سوم مقررات میثاق که شامل مواد ششم تا بیست و هفتم می شود مهم ترین بخش میثاق است که شامل حقوق ماهوی افراد می باشد. این حقوق ماهوی با ذکر بنیادی ترین حق انسان ها که همان حق حیات است در ماده ۶ آغاز می شود. در بند ۱ ماده ۶

^۲. و لا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ

^۳. مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده، حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت بشود. هیچ فردی را نمی‌توان خود سرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد^۴

بر اساس ماده ۱ منشور حقوق شهروندی، شهروندان از حق حیات برخوردارند. این حق را نمی‌توان از آن‌ها سلب کرد مگر به موجب قانون. بنابراین پلیس نمی‌تواند در جهت به سرانجام رساندن یک مأموریت، جان انسان‌های دیگر را به مخاطره بیندازد و یا خودش و ناآگاهانه جان افراد دیگر را به خطر بیندازد. بنابراین پلیس در این زمینه باید به نیروهای خود در جهت حفظ حقوق شهروندی افراد جامعه در حفظ امنیت جان مردم آموزش‌های لازم را ببینند

اصلی‌ترین وظیفه نیروی انتظامی، حفظ امنیت جان مردم است. از دیدگاه پلس، احترام به جان انسان مورد قبول و احترام است و تمام اقدامات و اهداف این ارگان در همین جهت به کار گرفته می‌شود. به طور مثال رهبر انقلاب، در این ارتباط می‌گوید: نیروی انتظامی نظام اسلامی، همان‌طور که این آقایان در سرودشان می‌خوانند که «ما پناه دل‌های شکسته‌ایم»، باید حقیقتاً این‌طور باشد. نیروی انتظامی باید پناه دل‌های خائف و ترسان و جان‌هایی که احساس می‌کنند از سوی یک انسان یا جمع و مجموعه‌ای تهدید می‌شوند، باشد. وجود نیروی انتظامی، باید احساس امنیت را در مردم به وجود آورد. این، شأن نیروی انتظامی در نظام جمهوری اسلامی است (خامنه‌ای، ۲۵ تیر ۱۳۷۶).

همچنین پلیس وظیفه دارد برای حفظ بنیان خانواده و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و حفظ امنیت و حقوق تک‌تک شهروندان از افشای برخی مسائل خودداری کنند. به طور مثال هنگامی که پلیس دختری را با پسری دستگیر می‌کند، نباید تعصبات قومی و مذهبی اعضای خانواده او را تحریک کند زیرا ممکن است منجر به قتل شود و امنیت یکی از افراد جامعه به مخاطره بیفتند.

قتل نفس و خرابکاری دو عاملی است که حق حیات را محدود و مشروط می‌کند. کسی حق حیات دارد که حیات دیگران را محترم شمرده کسی را از حیات محروم نکند و در زمین خرابکاری و فساد نکند، اما اگر مرتکب این امور شد به موجب قانون، سلب حق حیات از او توسط حکومت اسلامی مجاز است. در قانون ایران در حالت کلی دو نوع مجازات برای کشتن افراد در نظر گرفته شده است. (۱) قصاص و کشتن قاتل و (۲) پرداخت دیه از سمت قاتل. البته علاوه بر دو مورد مجازات، در بعضی از موارد قانون‌گذار بنا بر مصالح اجتماعی علاوه بر پرداخت دیه، مجازات حبس

۴. بنگرید به: رحیمی مقدم، ۱۳۸۷: ۴۲۶-۴۱۴.

هم قرار داده است. محاربان نیز، به همین دلیل که در رویارویی مرتکب قتل می‌شوند، سزاوار مرگ هستند و محارب هرگاه مرتکب قتل شده باشد، محکوم به اعدام می‌شود و گرنه مجازات‌های دیگری خواهد داشت (آگاه، بی تا).

امنیت شهروندان از رفتارهای توهین آمیز و شکنجه پلیس

منع شکنجه و رعایت آن از سوی پلیس و مرجع قضایی و همچنین انجام رفتارهای صحیح از سوی آنها، در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفته شده است که به صورت تفصیلی آنها را بیان می‌نماییم.

شکنجه یکی از زشت‌ترین جلوه‌های تعرض به کرامت انسانی است که موجب نابودی شأن و منزلت قربانی و مختل شدن تداوم زندگی و فعالیت‌های وی خواهد شد. بر خلاف بسیاری از اصطلاحات حقوق بشری که فاقد تعریف مشخصی در اسناد حقوق بشری‌اند، اصطلاح شکنجه در اسناد متعددی مورد تعریف قرار گرفته و از این رو مفهوم و معنای آن تا حدودی روشن است. اعلامیه حمایت از تمامی اشخاص در مقابل شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌ها، غیر انسانی و تحقیرآمیز (۱۹۷۵) اولین سند بین‌المللی حقوق بشری است که در ماده ۱ آن شکنجه به شرح زیر مورد تعریف قرار گرفته است:

ماده ۱- مقصود این اعلامیه از شکنجه عبارت است از؛ هرگونه عملی که به موجب آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی، به وسیله یا بر اثر تحریک مامورین دولتی به منظور کسب اطلاعات، یا اخذ اقرار یا به خاطر ارتکاب عملی یا مظنون بودن فرد به ارتکاب عملی یا ترساندن او یا اشخاص دیگر، بر روی آن شخص یا شخص ثالثی اعمال گردد. شکنجه درد یا رنجی را که صرفاً ناشی از نفس مجازات یا نتیجه حاصل از مجازات قانونی است تا جایی که مطابق با حداقل اصول استاندارد رفتار با زندانیان باشد، شامل نمی‌شود.

چندی بعد، کنوانسیون ضد شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز (۱۹۸۴) به تصویب رسید. همچنین اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (۱۹۹۸) اصطلاح شکنجه را در قسمت (e) بند ۲ ماده ۷ و حتی در برخی از اسناد مصوب در نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشر نظیر ماده ۲ کنوانسیون بین‌المللی پیشگیری و مجازات شکنجه (۱۹۸۵) و علاوه بر این در رویه قضایی نهادهای قضایی مهمی چون کمیسیون اروپایی حقوق بشر و دیوان اروپایی حقوق بشر، مورد تعریف قرار داده است (ابراهیمی، بی تا).

این امر که شکنجه یکی از ناهنجاری‌ها و ضد ارزش‌ها محسوب می‌شود، در اصول اسلامی و قرآن پذیرفته شده است. شکنجه که منتهای آن می‌تواند به مرگ منجر شود، مورد توجه بوده و مغایر اندیشه‌های اسلامی است. به طور مثال در تفسیر آیه ۷۱ سوره طه آمده است: بدیهی است که این عمل ساحران، ضربه سنگینی بر پیکر فرعون و حکومت جبار و خود کامه و بیدادگرش وارد ساخت و تمام ارکان آن را به لرزه در آورد، لذا چاره‌ای جز این ندید که با داد و فریاد و تهدیدهای غلیظ و شدید ته مانده حیثیتی را که نداشت، جمع و جور کند، رو به سوی ساحران کرد و «گفت: آیا پیش از آن که به شما اذن دهم به او ایمان آوردید؟» این جبار مستکبر، نه تنها مدعی بود که بر جسم و جان مردم، حکومت دارد بلکه می‌خواست بگوید قلب شما هم در اختیار من و متعلق به من است، و باید با اجازه من تصمیم بگیرند. فرعون به این قناعت نکرد، فوراً وصله‌ای به دامن ساحران چسبانید و آنها را متهم کرد و گفت: «او

بزرگ شماسست، او کسی است که سحر به شما آموخته»، و تمام اینها توطئه است با نقشه قبلی، بدون شک فرعون می‌دانست و یقین داشت این سخن دروغ است. ولی می‌دانیم قلدرها و زور گویان، وقتی موقعیت نامشروع خود را در خطر ببینند از هیچ دروغ و تهمت باک ندارند. تازه به این نیز قناعت نکرد و ساحران را با شدیدترین لحنی، تهدید به مرگ نمود و گفت: «پس سوگند یاد می‌کنم که دست و پاهای شما را بطور مخالف قطع می‌کنم، و بر فراز شاخه‌های بلند نخل به دار می‌آویزم و خواهید دانست مجازات من دردناکتر و پایدارتر است» (زارع بیدکی، بی تا).

حضرت علی علیه السلام در یکی از جنگها نیز، خطاب به یارانش توصیه کرد: «جنگ با آنها را آغاز نکنید، تا آنکه آنان آغاز کنند. پس چون با آنان مقابله کردید، هیچ مجروحی را به قتل نرسانید و چون شکستشان دادید، هیچ فرد در حال فرار را نکشید و هیچ کشته‌ای را مثله نکنید و چون به خانه‌های آنان رسیدید، هیچ پرده‌ای را نگشایید و به هیچ خانه‌ای وارد نشوید و از اموالشان چیزی برنگیرید و زنی را با آزار دادن، تحریک نکنید، هر چند که نوامیستان را شتم کنند و امرا و صاحبان را دشنام دهند (مقتدایی، پاییز ۱۳۹۰: ۱۲۵). پس کاملاً واضح و آشکار است که اسلام، شکنجه و یا رفتارهای ظالمانه را به هیچ عنوان نمی‌پذیرد.

در حقوق ایران، اصل ۳۸ قانون اساسی مقرر می‌دارد: هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یاکسب اطلاع ممنوع است اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. به علاوه برابر اصل سی و نهم قانون مذکور هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است.

با وجود این که منع شکنجه و انجام رفتارهای ناصواب در اصول یاد شده آمده است، لیکن، قانونگذار به دلیل اهمیت بالای موضوع، به آنها اکتفا نکرده و در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، نیز به این مقوله اشاره کرده است. برابر بند (۹) قانون مذکور هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت. همچنین بند (۶) این قانون بیان می‌دارد: در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف آنان اجتناب گردد.

در این زمینه، بند (۷) قانون مزبور اعلام می‌دارد: بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلا اقدامهای خلاف متعارف خودداری ورزند.

نکته پایانی این که ضمانت اجرای این عنوان در قانون مجازات اسلامی ذکر شده است. برابر ماده ۵۷۸ این قانون هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای این که متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت

امنیت حیثیت و آبروی شهروندان از اتهام و افتراء ناروای پلیس

یکی از آرزوهای دیرین که از جمله عناصر اساسی تحقق «حقوق شهروندی» است، مصونیت حیثیت و یا امنیت حیثیتی است. حیثیت و منزلت انسانی افراد از بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین حق بشر محسوب شده و اعتراف به بنیادی‌بودن و اساسی بودن این حق سابقه طولانی دارد و ادیان و مذاهب نسبت به آن تأکید زیادی کرده‌اند. حیثیت مترادف آبرو، عزت، اعتبار، تعذیب و شوؤن اجتماعی است. در واقع تجلی حیات معنوی افراد در روابط مدنی و اجتماعی افراد تلقی می‌شود (هاشمی، ۱۳۹۱: ۲۸۶).

حیثیت و منزلت انسانی افراد از بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین حق بشر محسوب شده و اعتراف به بنیادی بودن و اساسی بودن این حق سابقه طولانی دارد و ادیان و مذاهب نسبت به آن تأکید زیادی کرده‌اند. بر طبق آیات قرآنی، آبروی افراد محترم است و از اموری چون مسخره کردن دیگران، عیبجویی از هم، خواندن دیگران با نامهای زشت، گمان بد درباره مردم، تجسس در عیبهای افراد و غیبت آنان نهی شده است (حجرات، سوره ۴۹: آیه ۱۱ و ۱۲).

رعایت منع دستگیری بدون مجوز قانونی که در واقع به نوعی از بین رفتن آبروی شهروندان محسوب می‌شود در اسناد بین‌المللی و داخلی نیز مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد) بیان می‌دارد: هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد، از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد، مگر به جهات و طبق آئین دادرسی مقرر در قانون.

برابر اصل سی و دوم قانون اساسی نیز هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند و برابر اصل سی و هفتم این قانون اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. همچنین بر اساس ماده ۵۷ منشور حقوق شهروندی نیز اصل بر برائت است و هیچ کس مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که اتهام او در دادگاه‌های صالح و با رعایت اصول دادرسی عادلانه از جمله اصل قانونی بودن جرم و مجازات، استقلال و بیطرفی مرجع قضایی و قضات، حق دفاع، شخصی بودن مسئولیت جزایی، رسیدگی در مدت‌زمان معقول و بدون اطاله دادرسی و با حضور وکیل، اثبات شود. احکام باید مستدل و مستند به قوانین و اصول مربوط صادر شود.

اصل بیست و دوم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». به موجب ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات): «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه وی پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود».

مهمتر از اینها فحش (سب) در دین اسلام صریحاً با این عنوان نهی شده است. به طور مثال در سوره نساء، آیه ۱۰۸ آمده است: حتی «به مشرکین دشنام ندهید زیرا آنها نیز جاهلانه به خداوند فحش خواهند داد».

اهانت نیز که به معنای خوار و تحقیر کردن دیگران می باشد، از موارد هتک حیثیت است. بر اساس ماده ۷۰۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): «هر کس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و هجویه را منتشر نماید به حبس از یک تا شش ماه محکوم می شود».

تهمت نیز در همین سیاق هتک حیثیت قرار می گیرد و عبارت است از نسبت دادن عملی زشت به کسی که آن را مرتکب نشده باشد. ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) در این مورد مقرر می دارد: «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضا اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را بر خلاف حقیقت راساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریح یا تلویحاً نسبت دهد، اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه، علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد».

دامنه هتک حیثیت افراد تنها به این موارد خلاصه نمی شود و تحت عناوینی دیگر که ارتکاب یافته باشد نیز قابل پیگیری است. بهتان و افشاگری از مقوله های دیگری هستند که حیات معنوی افراد را تحت الشعاع قرار می دهد.

بهتان عبارت از این است که کسی گناهی را مرتکب شود و سپس آن را به دیگری نسبت دهد به موجب ماده ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات): «هر کس عالماً عامداً به قصد متهم نمودن دیگری آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می گردد، بدون اطلاع آن شخص در منزل، محل کسب یا جیب و یا اشیایی که متعلق به اوست بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد، پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام برائت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شود».

همچنین در مورد افشاگری و برملا کردن نقاط ضعف دیگران نیز در قانون پیش بینی شده است. ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) برای تهدید به افشای سر، مجازات ۷۴ ضربه شلاق یا زندان از دو ماه تا دو سال مقرر نموده است. همچنین به موجب ماده ۶۴۸ این قانون: «اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم می شوند هر گاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و ا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شوند».

بنابراین آنچه که ممکن است آبرو و اعتبار شما را خدشه دار کند، بدون تضمین رها نشده است، بلکه علاوه بر قانون اساسی، قوانین عادی نیز از این حقوق حمایت کرده اند. بنابراین تمامی اقدامات نیروی انتظامی در مقام ضابط دادگستری، می بایست در قالب قانون و با اجازه قانون باشد. اصولاً پلیس نمی تواند بدون حکم و اجازه قانون، شهروندی را دستگیر و آزادی او را سلب نماید که از این طریق اعتبار و حیثیت انسانی وی زیر سؤال رود. پلیس باید با استناد به اصل برائت و قانونی بودن تعقیب، همه شهروندان را بری از هرگونه اتهام فرض می نماید، مگر این که ضمن اجازه قانونی، دلایل لازم را برای متهم بودن شهروندان، در اختیار داشته باشد.

امنیت خلوت (مصونیت از تجسس) توسط پلیس

یکی از حقوق اساسی و بنیادین بشر که در منابع اسلامی و قوانین کشورها و اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است، حق برخورداری اشخاص از مصونیت و حرمت حریم خصوصی است. طبق قوانین چه اسلام، چه در سطح داخلی یا خارجی، حریم خصوصی، خانواده، مکاتبات، آبرو و حیثیت افراد نباید مورد تعرض و مزاحمت واقع شود. در طول قرن بیستم تعرضات جدید ناشی از پیشرفت تکنولوژی شامل ضبط مکالمات تلفنی خصوصی، گذاشتن میکروفن مخفی یا دستگاه ضبط صوت در اماکن خصوصی، دوربین‌های عکاسی و فیلمبرداری، قابلیت‌های کامپیوترها جهت جمع‌آوری، ذخیره‌سازی و به دست آوردن اطلاعات و ... باعث شد تا حریم خصوصی به عنوان یک حق مهم و اساسی شناخته شود.

در تعالیم اخلاقی و حقوقی اسلام آیات و روایاتی را می‌یابیم که بر حریم خصوصی در مناسبات اعضای خانواده نیز دلالت دارند که به برخی از آنها اشاره می‌شود. اسلام برای تنظیم روابط اجتماعی به‌نحو صحیح و پیشگیری از نقض حریم‌ها و تبعات ناشی از آن به‌ویژه از لحاظ تربیتی در محیط خانه مقرراتی را وضع نموده و از اهل یک خانه نیز خواسته شده است که برای ورود به اتاق پدر و مادر در ساعات‌های خاصی اجازه بگیرند.

در این رابطه، خداوند متعال در سوره نور، آیات ۵۸ و ۵۹ می‌فرماید «ای کسانی که به خدا ایمان آوردید بدانید که باید بندگان ملکی شما و اطفالی که هنوز به وقت احتلام و زمان بلوغ نرسیده‌اند در شبانه‌روز، روزی سه مرتبه از شما اجازه بخواهند، یکبار بیش از نماز صبح، دیگر پس از نماز خفتن، سوم هنگام ظهر که جامه‌ها از تن برمی‌گیرید که این سه وقت هنگام عورت و خلوت شمامست، اکثراً برهنه یا در لباس کوتاهید و بعد از این سه بار اجازه دیگر باکی بر شما و آنها نیست که بی‌دستور با بندگان و اطفال خود گرد یکدیگر جمع شوید و هر ساعت در کارها به شما مراجعه کنند... و آنگاه که اطفال شما به حد بلوغ و احتلام رسیدند باید مانند سایر بالغان البته با اجازه وارد شوند. خدا آیات خود را بدین روشنی برای شما بیان می‌کند که او به صلاح بندگان، دانا و در وضع تکلیف محکم کار است.

در آموزه‌های اسلامی نیز از تجسس و خیانت در امانت نهی شده‌اند. خداوند در سوره حجرات، آیه ۱۲ می‌فرماید که ای اهل ایمان از بسیاری پندارها و ظنّ بد در حق یکدیگر بپرهیزید که برخی ظنّ و پندارها معصیت است و نیز هرگز از حال درونی همدیگر تجسس مکنید و غیبت یکدیگر را روا مدارید. واضح است که تفتیش مکاتبات و مراسلات مردم و یا شنود مکالمات تلفنی آنان، مصداق وارد شدن به حریم خصوصی، تجسس به حساب آمده و حرام است.

قرآن کریم برای حفظ شرافت آدمی و کرامت انسانی، اعاده حیثیت را جایز می‌شمارد و در بیان داستان یوسف ذیل آیات (۵۰-۵۱) این سوره از تلاش وی در زندان برای اعاده حیثیت یاد می‌کند و اینکه آن حضرت چنان برای آبروی خویش ارزش قائل بود که حاضر نمی‌شود عفو و بخشش شاه را بپذیرد و پیش از اعاده حیثیت از زندان بیرون آید، از این رو شاه، مجلسی ترتیب می‌دهد و پس از اعاده حیثیت و بازگشت آبروی از دست رفته، آن حضرت حاضر می‌شود تا از زندان بیرون آید. از این، داستان می‌توان استفاده کرد که ایجاد امنیت و اطمینان خاطر و مصونیت اشخاص از هر گونه تعرض به حریم خصوصی از جمله مهمترین حقوق اساسی و شهروندی است.

این موضوع نیز در سطح بین‌المللی با جدیت فراوانی دنبال شد و اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ در ماده ۱۲ و میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ در ماده ۱۷ این حق را به رسمیت شناختند و در کنگره بین‌المللی حقوقدانان در وین به سال ۱۹۵۵، کنگره وین در سال ۱۹۵۹، کنگره حقوقدانان در استکهلم به سال ۱۹۶۷، کنگره اتحادیه بین‌المللی حقوقدانان در لندن به سال ۱۹۶۹ موضوع بحث واقع شد (موسی زاده، زمستان ۱۳۹۱: ۵۰ - ۴۹).

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۹۴۸، در ماده‌ی ۲۱ اعلام می‌کند: «حریم خصوصی، خانواده، مکاتبات، آبرو و حیثیت افراد نباید مورد تعرض و مزاحمت واقع شود». همچنین علاوه بر کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های بین‌المللی، اسناد منطقه‌ای نیز حیثیت و اسرار زندگی خصوصی انسان را مورد حمایت قرار می‌دهند که از جمله آنها می‌توان به اعلامیه‌ی حقوق بشر اسلامی ۱۹۹۰ قاهره اشاره کرد که در آن با تأکید بر خلیفه‌الله بودن انسان، ملاک برتری را تنها تقوا می‌داند و بر حمایت از زندگی شخص، و حریم خصوصی انسان تأکید می‌کند. از دیگر کنوانسیون‌ها می‌توان به کنوانسیون حقوق بشر اروپایی، بیانیه‌ی ۱۹۶۸ تهران، کنوانسیون شورای اروپا راجع به آزادی‌های اساسی، مصوب ۱۹۵۰ و کنوانسیون شورای اروپا راجع به حق حریم خصوصی در ۱۹۹۵ اشاره کرد. باید دانست که روابط شخصی بین افراد، حریم خصوصی آنها محسوب می‌شود و این حریم محترم است و کسی که آن را هتک کند، مجرم شناخته می‌شود (لاله رنگ، بی تا).

دولت باید به عنوان قدرت عمومی از آن حمایت کند. مسلماً تحقق چنین امنیتی مستلزم فراهم نمودن بسترهای لازم است. از جمله موارد ضروری در حفظ حریم خصوصی توسط پلیس، ارتقاء سطح فرهنگی جامعه از طریق آموزش برای صیانت از حریم خصوصی توسط خود به ویژه در قبال فناوری‌های نوین، یاری جستن از مبانی اعتقادی در کاهش تعرض به حقوق دیگران، استفاده از روش‌های پیشگیری و قوانین جامع و گسترده و نهایتاً حمایت‌های کیفی برای اعمال اهداف مجازات در جامعه است (حکیمی، بی تا).

در خصوص حفظ حریم خصوصی شهروندان برابر اصل ۲۵ قانون اساسی بازرسی و نرسانیدن نامه‌ها و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، عدم مخابره، نرسانیدن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

به علاوه بند ۸ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، بیان می‌دارد: بازرسی و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد.

همچنین بند ۱۱ قانون مذکور ابراز می‌دارد: از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سوال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر موثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد. لذا هیچ کس حق ندارد به خانه، مغازه، محل کار شخصی کسی بدون اجازه صاحب آنها وارد شود و یا به تلفن و نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم

یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف مرکز گناه هر چند بزرگ باشد شنود بگذارد و یا به دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان نیز نماید و با اسراری که از غیر به او رسیده، او برای یک نفر فاش کند. همچنین بر اساس ماده ۴۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری، هر چند در محاکمات، یک ضبط صوت و در صورت تشخیص دادگاه، ضبط تصویری مجاز شناخته می شود، اما انتشار آنها بر اساس حفظ حقوق شهروندی ممنوع و حتی استفاده از آنها نیز منوط به اجازه دادگاه است.

با توجه به موارد ذکر شده قانون آئین دادرسی کیفری به طور کلی مواردی را به عنوان تضمین کننده حقوق شهروندان لحاظ کرده است. بر همین اساس پلیس به عنوان مهمترین حافظ امنیت و حفظ حقوق شهروندان می بایست از تضمین هایی که قانونگذار برای حفظ حریم شهروندان حتی در زمان مظنون بودن به ارتکاب جرم فراهم آورده است، آگاهی داشته باشد.

باید به متهم تفهیم اتهام شود

از دیگر حقوق متهم در فرایند دادرسی کیفری، این است که اتهام یا اتهامات انتسابی به او، از سوی پلیس به وی تفهیم گردد. تفهیم اتهام یعنی اینکه متهم قبل از شروع تحقیقات مقدماتی به صورت مکتوب (با تأسی از اصل ۳۲ قانون اساسی) از ماهیت اتهام خود مطلع گردد تا بدین وسیله بتواند وسایل دفاع مناسب را تهیه نماید، زیرا چهل نسبت به موضوع و دلایل اتهام، موجب خدشه به حقوق و آزادی های فردی و به ویژه دفاع و نقض اصل برائت است. به بیان دیگر تفهیم اتهام عبارت است از اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه بهمتهم از سوی قاضی تحقیق به زبان و شیوه ای که با توجه به وضعیت خاص هرمتهم برای او قابل درک باشد.

همچنین در ماده ۶۳ منشور حقوق شهروندی بر حق تفهیم اتهام تأکید شده است: حق شهروندان است که از تمامی حقوق دادخواهی خود از جمله اطلاع از نوع و علت اتهام و مستندات قانونی آن و انتخاب وکیل آگاهی داشته باشند و از فرصت مناسب برای ارائه شکایت یا دفاعیات خود، ثبت دقیق مطالب ارائه شده در همه مراحل دادرسی، نگهداری در بازداشتگاهها یا زندانهای قانونی و اطلاع خانواده از بازداشت بهره مند شوند.

برخورداری از حق سکوت

مهمترین دلیلی که برای حق سکوت بیان کرده اند، ریشه در اصل برائت دارد. این اصل در اسناد بین المللی مختلف به صراحت بیان شده است که از جمله می توان به اصل ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، اشاره کرد. رابطه بین اصل برائت و حق سکوت سال هاست که شناخته شده است. اگر اصل برائت متهم باشد، بی گمان ساده ترین و روشن ترین نتیجه ای که می توان گرفت آن است که دادستان باید دلایل علیه متهم را فراهم آورد و تا زمانی که این دلایل جمع آوری نشده، متهم بی گناه فرض می شود و فرد بی گناه را نمی توان ملزم به پاسخ به سؤالات پلیس و مقامات قضایی کرد. متهم باید بداند که می تواند به سؤالات پلیس در مرحله کشف جرم پاسخ نگوید و سکوت او نمی تواند عواقب کیفری

داشته باشد. بنابراین باید به متهم متذکر شد که مواظب اظهارات خود باشد و می تواند در پاسخ به سوالات سکوت اختیار کند.

برخورداری از حق داشتن وکیل

حقوق شهروندی در گستره قضایی جلوه های متعددی دارد که یکی از بارزترین آنها «حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری» می باشد. بر اساس این حق، متهمان در سراسر فرایند می توانند از حضور وکیل در کنار خود استفاده کنند. بهره مندی متهمان از داشتن وکیل در فرایند کیفری باعث کاسته شدن اشتباه های قضایی شده و ابزاری در جهت افزایش دستیابی به عدالت می باشد. نتیجه آنکه داشتن وکیل یکی از تضمینات حقوق دفاعی متهم است که در اسناد بین المللی متعددی مورد تصریح قرار گرفته است. میثاق حقوق مدنی سیاسی، پیمان نامه حقوق کودک، اعلامیه جهانی حقوق بشر و ... از جمله این اسناد می باشند که در آنها حق داشتن وکیل در فرایند کیفری به رسمیت شناخته شده است. در ایران نیز سیاستگذاران این حق را در مقررات تقنینی مورد توجه و حمایت قرار داده اند. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، ضمن حذف بسیاری از محدودیت ها و موانع مقرر در خصوص حق دفاع و وکالت از متهم، اصل را بر لزوم داشتن وکیل و حق دفاع وی از متهم به عنوان موکل خود و ضرورت تفهیم حقوق قانونی متهم از سوی مرجع قضایی و ضابطان دادگستری در تمام امور کیفری قرار داده است.

حق داشتن وکیل در تحقیقات مقدماتی و لزوم حضور و فعالیت های قانونی وی در دفاع از موکل به ویژه در هنگام بازجویی تضمینی بسیار اساسی در جهت حفظ حقوق و آزادی های فردی و جلوگیری از اخلال به حق دفاع است. حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی موجب برقراری توازن و تحقیق اصل تساوی سلاح ها در روند دادرسی کیفری است؛ زیرا حضور قضات مجرب تحقیق، شاکی خصوصی، وکیل یا وکلای او و ضابطان دادگستری در سازمان دادسرا که به انگیزه حمایت از حقوق جامعه و زیان دیده از جرم در امر جمع آوری دلایل به ضرر متهم اشتغال دارند مستلزم وجود حقوقدانانی فعال و برجسته در کنار متهم به منظور دفاع از حقوق قانونی وی است.

در حقوق ایران به این حق توجه ویژه ای شده است، برابر اصل سی و پنجم قانون اساسی در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین وظایف مسئولیت نهادهای حکومتی و اجرایی هر کشور، برقراری امنیت آن کشور است. یکی از نهادهای شاخص در این زمینه، نهاد انتظامی به شمار می‌رود که در سراسر جهان با عنوان پلیس خوانده می‌شود. پلیس به عنوان ضابط عام دادگستری به منظور برقرار امنیت و برخورد با اخلال‌گران نظم و امنیت در جامعه نیازمند اختیارات خاصی است که گاهی همین اختیارات در برقراری نظم و امنیت به نقض حقوق شهروندی منجر می‌شود، لذا لازم است که پلیس ضمن آشنایی با حقوق شهروندی در مأموریت‌های محوله در رعایت آن اهتمام لازم را داشته باشد. عدم آشنایی پلیس با حقوق شهروندی و تضییع این حقوق در حین فرایند رسیدگی به جرم می‌تواند از یکسو و موجبات بدبینی شهروندان به پلیس و بی‌اعتمادی به آن را فراهم آورد و از سوی دیگر ناآگاهی پلیس از هرآنچه افراد را از حقوق شان محروم می‌سازد با توسعه عدالت در جامعه در تناقض قرار دارد. بنابراین پلیس باید حدود و اختیارات خود را در استفاده از این ابزارهای قانونی در حفظ نظم بداند، زیرا ممکن است پلیس در راستای برقراری نظم و امنیت که هدف و مأموریت ذاتی اوست، باعث تعرض به حقوق سایر شهروندان و ایجاد اختلال در نظم جامعه شود. بنابراین یک پلیس باید ویژگی‌های یک پلیس شهروندمدار را بداند، از وظایف قانونی خود در حوزه امنیت حقوق شهروندی آگاهی داشته باشد. پلیس وظیفه دارد برای حفظ بنیان خانواده و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و حفظ امنیت و حقوق تک تک شهروندان تلاش نماید. همچنین تمامی اقدامات نیروی انتظامی در مقام ضابط دادگستری، می‌بایست در قالب قانون و با اجازه قانون باشد. پلیس شهروندمدار تا آن جایی که امکان دارد باید از رفتارهای توهین آمیز و شکنجه جز در مورد ضرورت پرهیز نماید. همچنین پلیس نمی‌تواند بدون حکم و اجازه قانون، شهروندی را دستگیر و آزادی او را سلب نماید که از این طریق اعتبار و حیثیت انسانی شهروندان زیر سؤال رود. بر همین اساس پلیس به عنوان مهمترین حافظ امنیت و حفظ حقوق شهروندان می‌بایست از تضمین‌هایی که قانونگذار برای حفظ حریم شهروندان حتی در زمان مظنون بودن به ارتکاب جرم فراهم آورده است، آگاهی داشته باشد و از اتهام یا اتهامات انتسابی به هر یک از شهروندان، از سوی پلیس به وی تفهیم گردد. از سوی دیگر پلیس شهروندمدار باید امکانات و تمهیدات لازم را برای متهمان در نظر بگیرد از جمله باید بداند که سکوت حق مسلم متهم هست و متهم می‌تواند از حق قانونی خود از جمله حق داشتن وکیل برخوردار باشند. در نتیجه اعطای چنین اختیاراتی به سازمان‌های پلیس باید در پرتو قوانین محدود و صریحی باشد که بقای نظم و امنیت جامعه را تضمین نماید.

منابع

کتاب

- آشوری، داریوش؛ (۱۳۶۶). دانشنامه سیاسی؛ فرهنگ اصطلاحات و مکتبهای سیاسی (چاپ سوم). تهران: انتشارات مروارید.
- بوزان، باری (۱۳۸۶). چارچوبی تازه بر تحلیل امنیت (علیرضا طیب، مترجم). تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رحیمی مقدم، حسین (۱۳۸۷). مجموعه قواعد و مقررات بین‌المللی (جلد اول). تهران: انتشارات بهتاب.
- کلاهیچیان، محمود (۱۳۸۴). راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی (مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا). تهران: گلپونه.
- معین، محمد (۱۳۹۲). فرهنگ فارسی دکتر محمد معین (چاپ نهم). تهران: انتشارات سرایش.
- موسوی، یعقوب (۱۳۸۲). موانع توسعه حقوق شهروندی در کلان شهر تهران. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۱). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (ج دوم). تهران: نشر میزان.
- هس، کارن ام. میلر، لیندا اس (۱۳۸۲). پلیس در اجتماع، راهبردهایی برای قرن بیست و یکم (رضا کلهر، مترجم). تهران: دانشگاه علوم انتظامی.

مقالات

- آشوری، محمد و محمدعلی بهمنی (پاییز ۱۳۸۷). «رویه کمیته حقوق بشر در حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی». فصلنامه حقوق مجله دانشگاه حقوق و علوم سیاسی. دوره ۳۸. شماره ۳.
- پژوهنده، محمدحسین (۱۳۷۶). «مدنیت و شهروندی» فصلنامه اندیشه حوزه، سال سوم، شماره های ۲ و ۳.
- کریمیایی، علی اعظم. مرادیان، محسن. عباسی، علی (تابستان ۱۳۸۹). «نقش نیروی انتظامی در تأمین امنیت اجتماعی». مجله دانش انتظامی. سال ۱۲. شماره ۲.
- کلاکی، حسن. تاجران، عزیزالله (زمستان ۱۳۸۸). «بررسی تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهرانی». مطالعات مدیریت انتظامی. سال ۴. شماره ۴.
- مرگان، راد. نیوبرن، تیم (تابستان ۱۳۸۰). «نقش و وظیفه پلیس (قسمت اول)». (راجله الیاسی، مترجم). مجله دانش انتظامی. شماره ۲.
- مقتدایی، عباس (پاییز ۱۳۹۰). «بررسی مقایسه‌ای نسل اول حقوق بشر جامعه مدنی غرب با مبانی اسلامی». جامعه‌شناسی کاربردی. سال بیست و دوم. شماره پیاپی (۴۳). شماره سوم.
- موسی‌زاده، ابرهیم و فهیم مصطفی‌زاده (زمستان ۱۳۹۱). «نگاهی به مفهوم و مبانی حق بر حریم خصوصی در نظام حقوقی عرفی». فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی. سال اول. شماره ۲.

پایان نامه

- حسامی، سمیه (۱۳۸۴). حمایت کیفری از زنان در برابر خشونت خانوادگی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.

اسناد و مدارک

- قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی
- قانون اساسی
- قانون مجازات اسلامی
- قانون مجازات اسلامی

- قرآن کریم
- منشور حقوق شهروندی

منابع اینترنتی

- آگاه، حمید (بی تا). «قرآن؛ حق حیات و چالش‌های موجود». پرتال جامع علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. قابل دسترس در:

<http://www.ensani.ir/fa/content/135310/default.aspx>

- ابراهیمی، محمد (بی تا). «آزادی از شکنجه (۱) (تعریف، مفهوم و ارکان)». پژوهشکده باقرالعلوم. قابل دسترس در:
<http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=42997>

- احمدی، عبدالرضا (بی تا). «جایگاه امنیت در حکومت از نگاه قرآن». دانشنامه موضوعی قرآن. قابل دسترس در:
<http://www.maarefquran.org/index.php/page.viewArticle/LinkID,5446>

- حکیمی، نجیب‌الله (بی تا) «قلمرو حریم خصوصی از منظر قرآن و احادیث». سروش صبا. قابل دسترس در:
<http://www.bonyadesaba.com/index.php/quran-va-eitrar/395-2013-12-22-18-48-18>

- خامنه ای، سید علی (۲۵ تیر ۱۳۷۶) «بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی». سایت آیت الله خامنه ای. قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2844>

- زارع بیدکی، اعظم (بی تا)، «ویژگی حکومت نامطلوب فرعون». تدبیر. بنیاد علوم و معارف اسلامی. قابل دسترس:
<http://tadabbor.org/Default.aspx?page=tadabbor&SOID=20&AYID=71&TPIV=T2>

- لاله‌رنگ، فاطمه؛ «جایگاه حریم خصوصی از منظر قانون». باشگاه اندیشه. قابل دسترس در:
<http://www.bashgah.net/fa/category/show/56154>

منابع اینترنتی انگلیسی

Etymology Dictionary (2018). police. Site Online Etymology Dictionary. Available in:
<https://www.etymonline.com/search?q=police..>

An overview of the police position on security, including citizenship rights

Rasol Sarmast Banab*¹

Received: 21-01-2019

Revised: 08-06-2019

Accepted: 04-08-2019

Abstract

Today, the police are officially the main force responsible for maintaining internal security in the community. In fact, police is a government agency that is responsible for maintaining order, security, law enforcement, and law enforcement, in particular criminal law, at the discretion of the government and within the limits of its statutory duties and powers. Security is also one of the natural and fundamental rights of human beings and the basis for the enjoyment of other fundamental human rights and freedoms. The concept of security is understood as a fundamental requirement of human life everywhere in the world and in most international documents and laws of the countries, and has always been emphasized and has major implications for human life. On the other hand, there are always people in all societies who try to disrupt the public order and security of society by their irrational behavior. Therefore, while recognizing the principles and duties of police forces to maintain order and security, the police have special powers, such as permitting the use of firearms under legal conditions, the use of torture, and the deprivation of liberty. Therefore, the police must know their limits and powers in the use of these legal tools in order to maintain order, as the police may violate the rights of other citizens and disrupt the order of society in order to restore order and security, which is its essential purpose and mission. As a consequence, the granting of such powers to police organizations must be in the light of restrictive laws that guarantee the survival of order and security in society.

Keywords: Police, Security, Citizenship.

¹*- MA in Human Rights, Faculty of Law, Shahid Beheshti University